

گشتی در تابلوهای بدون فریم دستفروشان خیابان انقلاب

رپرها در کنار شجریان و علیزاده و شهید باکری



بهر روز آفانین

از وقتی حدود ۲۰ سال پیش برای خرید کتاب کتکور برادر بزرگ ترم به

میدان انقلاب رفتم تا امروز دو چیز برایم همیشه جالب بوده است. اول بساط کتاب‌های افست کنار خیابان و دوم بساط دست‌فروشان که

تصاویر شخصیت‌های شناخته‌شده را در تابلوهای کوچک بدون فریم کنار خیابان می‌فروشد. اغلب اوقات می‌ایستادم و نگاه می‌کردم که چه

هزار تو

یادی از یک حماسه بزرگ در سالگرد جام جهانی روسیه!

۸ میلیاردی که در روسیه دور ریخته شد

مهدی یاور منش

سال پیش همین روزها بازی‌های جام جهانی روسیه به نیمه‌نهایی رسیده بود. در مرحله گروهی که ایران با هم‌نواست از آن صعود کند، تیم ملی کشورمان از ۳ بازی، ۴ امتیاز کسب کرد؛ بر ددر برابر مراکش، باخت با یک گل مقابل اسپانیا و تساوی در برابر برتغال. دست‌آوردی قابل قبول و رضایت‌بخش بود.

در کنار حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۱۸، گروهی دیگر از کشورمان در روسیه حضور داشتند که همان زمان از راه ممکن، برخی کوشیدند از آن، موفقیتهایی جعلی در حد یک حماسه بزرگ بسازند.

پارسال، منتخبی از ارکسترهای سمفونیک ملی ایران به جام جهانی روسیه اعزام شدند و سرودی را با صدای سالار عقیلی اجرا کردند که امروز حتی کمتر کسی نام آن را به خاطر دارد.

سرود «۱۱ ستاره» همان زمان انتشارش هم مورد استقبال قرار نگرفت؛ ورد زبان کسی نشد، تماشاگران بازی‌های تیم ملی ایران در استادیوم‌ها آن را نتواندند و بر خلاف خیلی از ترانه‌ها و قطعات مشابه، در مکان‌های عمومی و از دستگاه‌های پخش خودرها به گوش نرسید. آن زمان، تنها، فیلمی از جمعیتی اندک در بیرون استادیوم شهر

سن پترزبورگ منتشر شد که با سالار عقیلی این سرود را می‌خواندند؛ جمعیتی که از مردم عادی نبودند و در واقع اعضای ارکسترها و گروه‌های آموزشی از طرف بنیاد رودکی به روسیه بودند. این فیلم اگر چه با عنوان همخوانی مردم با سالار عقیلی به خورد رسانه‌ها داده شد، اما بیشتر مهر تأییدی بر محفلی بودن پروژه ساخت و اجرای این قطعه بود. اینک پس از یک سال از اجرای «۱۱ ستاره» هم انگار چنین سرودی هرگز ساخته، اجرا و خوانده نشده است؛ چون هیچ اثر و ردی از آن نمی‌توان پیدا کرد و مانند غباری سبک بر اثر وزش نسیم زمان، در هوا پراکنده و محو شده است. امروز اگر از مدیران بنیاد رودکی و یا حتی خود سالار عقیلی بخواهید یک خط از این سرود را بخوانند، بعید است حافظه‌شان یاری کند و چیزی بر زبانشان جاری شود.

پس از یک سال، دلیلی که باعث نوشته شدن این یادداشت برای قطعه‌ای بی‌مصرف شده است، خودش جای بحث و تحلیل بسیار دارد. مدتی است، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در یک اقدام پسندیده و واجب، عزم خود را برای شفافیت جزم کرده و بیشتر از به اشتراک گذاشتن اطلاعات شده است. در همین راستا، بنیاد رودکی هم، هزینه‌های ساخت سرود «۱۱ ستاره» و سفر هیئت اعزامی به روسیه را منتشر کرده که آن نهاد آدمی‌برمی‌آورد.

بر اساس این جدول، هزینه کل این پروژه، نزدیک به ۲۶ میلیارد ریال، معادل ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان اعلام شده است. نخستین مسئله این است که در این فهرست، اشاره‌ای به هزینه‌های ارزی اعزام این هیئت پر تعداد به جام جهانی ۲۰۱۸ نشده است. با توجه به این که بخش عمده هزینه‌های این سفر ارزی در آن زمان دلار دولتی زیر ۴ هزار و ۳۰۰ تومان بوده است، با یک ضرب ساده می‌توان هزینه این پروژه را به ارزش امروز، نزدیک به ۸ میلیارد تومان بر آورد کرد و با این پول چه مشکلاتی را می‌توانستیم از سر راه ارکسترهای ملی و سمفونیک و تالار وحدت برداریم.

مبلغ پرداختی به شاعران این سروده هم که نزدیک به ۴۳ میلیون تومان است، عددی فراتر از دستمزدهای رایج به‌شمار می‌آید. از آن عجیب‌تر، پرداخت بیش از ۱۸۲ میلیون تومان حق مأموریت به اعضای گروه اعزامی است که در جدول هزینه‌های این پروژه به چشم می‌خورد. از آنجا که این اعزام، یک سفر اداری و مأموریتی نبوده و بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته است، معلوم نیست اصولاً چرا باید حق مأموریتی به کسی پرداخت شود. در ضمن در حالی که بیشتر اعضای ارکسترهای ملی و سمفونیک کارمند رسمی دولت نیستند، معلوم نیست این حق مأموریت به چه کسانی پرداخت شده است. در

شخصیت‌های جدیدی به بساط این دست‌فروشان اضافه شده است. علاوه بر نویسندگان بزرگ ایرانی، دانشمندان که پای تابلشان بودند، از دوره‌ای به بعد خوانندگان معروف قبل از انقلاب به آنها اضافه شدند و بعد خواننده‌ها و بازیگران معروف خارجی. اما چند سالی است چهره‌های جدیدی جای خود را در میان این شخصیت‌ها باز کرده‌اند که هنرمندان رپ فارسی هستند.

اما رضا پیشرو، هیچ‌کس، بهرام یاقاف و وض چه وجه مشترکی با شاملو، ابی یا چگوارا و غلامحسین لطفی دارند؟

برای پیدا کردن جواب این سؤال شاید تحقیقی استاندارد باید انجام شود، ولی به نظرم پاسخ در چهره‌هایی است که در این بساط‌ها هنوز حضور ندارند.

چرا خبری از سلبریتی‌هایی نیست که این روزها در برنامه‌های تلویزیونی دعوت می‌شوند؟ مگر بهنام بانی طرفدار فراوان ندارد؟ یا

چندسالی است که هنرمندان رپ فارسی هم جای خود را در میان تابلوهای دستفروشان خیابان انقلاب باز کرده‌اند. اما رضا پیشرو، هیچ‌کس، بهرام یاقاف و وض چه وجه مشترکی با شاملو، ابی یا چگوارا و غلامحسین لطفی دارند؟ برای پیدا کردن جواب این سؤال شاید تحقیقی استاندارد باید انجام شود.

توضیح داد که چرا در چند سال اخیر هنرمندان رپ هم به این بساط‌ها اضافه شده‌اند. کسانی که در طول بیش از یک دهه با گفتمان رسمی همراه نشده‌اند، محبوب بوده‌اند و حالاً می‌توان گفت در قلب و فکر تعداد زیادی از مردم ماندگار شده‌اند.

«گزارش هزینه اعزام منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه»

ردیف	عنوان هزینه	مبلغ هزینه ریالی
۱	تأسیسات و هزینه‌های رفاهی مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۲	سفر هوایی مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۳	هزینه‌های اقامت مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۴	هزینه‌های تغذیه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۵	هزینه‌های حمل و نقل مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۶	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۷	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۸	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۹	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۰	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۱	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۲	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۳	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۴	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۵	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۶	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۷	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۸	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۹	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۲۰	هزینه‌های بیمه مسافران منتخب ارکستر سمفونیک ملی ایران به روسیه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

هیئت اعزامی بنیاد رودکی به روسیه، متأسفانه مثل همیشه تعدادی از مدیران دولتی از معاونت هنری، دفتر موسیقی و خود بنیاد حضور داشتند که معلوم نیست از این ۱۸۲ میلیون تومان حق مأموریت، چه میزان نصیب آنان شده است. در ردیف‌های دیگر این جدول، همه‌جا از هزینه‌های غذا، ترانسفر، اقامت و... نوازندگان و عوامل ارکستر یاد شده، در حالی که تعداد زیادی از اعضای این گروه اعزامی، هیچ ارتباطی به ارکسترهای سمفونیک و ملی نداشته‌اند که بهتر بود تعداد آنان و هزینه‌هایشان جداگانه و به تفکیک سمت و موقعیت مشخص می‌شد.

در پاسخ به تمام این نقدها، شاید مدیران بنیاد رودکی به پرداخت هزینه‌های این پروژه توسط اسپانسر اشاره کنند که عذر بدتر از گناه است؛ چون دو حالت بیشتر ندارد. در حالت اول، اگر این پروژه توسط مدیران بنیاد رودکی تعریف شده است، باید

به آنان مرجعاً گفت؛ چون در حالی که تالار وحدت از نظر ساختمانی و تجهیزات صحنه و سالن نیاز به تعمیرات اساسی دارد و ارکسترهای سمفونیک و ملی به شدت نیازمند سازهای تازه و مناسب‌تری برای نوازندگان هستند، چنین کمکی را به معنای واقعی کلمه دور ریخته‌اند. اما اگر انجام این پروژه پیشنهاد شرکت حامی بوده است، باید از مدیران بنیاد پرسیده به چه حق نام و عنوان و برند و ارکستر بزرگ کشور را به راحتی پای یک کار تبلیغاتی بی‌فایده ریخته‌اند که هیچ سود فرهنگی و هنری نداشته است.

امیدواریم در روزهای آینده، بنیاد رودکی، بر اساس سیاست‌های وزارت ارشاد، شفاف‌تر عمل کند و ابعاد این پروژه، ترکیب هیئت اعزامی و هزینه‌های انجام‌شده را دقیق‌تر و ریزتر اعلام کند و خود را پشت نوازندگان محترم ارکسترها پنهان نکند.

انصراف نیکی میناژ از اجرا در عربستان سعودی

پس از آن که خبر اجرای نیکی میناژ، خواننده زن و رپر جنجالی آمریکایی، در فستیوال جده حاشیه‌ساز شد، این خواننده در نهایت از اجرا در عربستان سعودی منصرف شد. به گزارش آسوشیپدیتد پرس و ایسنا، خبر اجرای «نیکی میناژ»، رپر آمریکایی، در فستیوال موسیقی جده چندی پیش اعلام شده بود، اما با توجه به سبک اجرا و نحوه پوشش این خواننده، اجرای چنین کنسرتی در کشوری که اسلام از آنجا ظهور کرده است، تعجب و حیرت بسیاری را برانگیخت.

اخیراً یک بنیاد دفاع از حقوق بشر از این خواننده خواست با توجه به نادیده گرفته شدن معیارهایی از به رسمیت شناختن هم‌جنس‌گرایی گرفته تا برابری حقوق زن و مرد و آزادی بیان در کشور عربستان، از شرکت در این رویداد صرف‌نظر کند.

«نیکی میناژ» اخیراً در بیانیه‌ای اعلام کرد: «پس از در نظر گرفتن بازتاب‌های این اجرا، تصمیم گرفتم اجرای کنسرت در فستیوال جده را لغو کنم». پیش از این «نلی» و «ماریا کری» نیز در این جشنواره موسیقی بین‌المللی شرکت کرده و البته مورد انتقاد قرار گرفته بودند. حال شاهزاده عربستان که با تصمیم‌های متناقضی در ماه‌های گذشته، شرایط عجیبی را برای این کشور به‌شدت سنت‌گرا اما مدعی ایفای نقش در تحولات مدرن جهانی رقم زده، با وضعیت دشوار جدیدی مواجه شده است؛ از یک سو کولتو اجرای کنسرت موسیقی جنجالی به دلیل رعایت نشدن حقوق زنان در عربستان سعودی، از سوی دیگر، هزینه دادن بابت حمایت نکردن از حقوق هم‌جنس‌گرایان در سرزمین وحی.

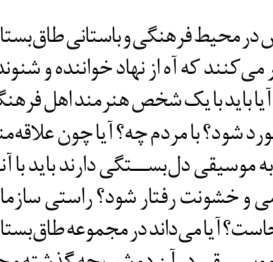
جزئیات کنسرت حسین زمان در برج میلاد



حسین زمان پس از ۱۷ سال دوری از صحنه، کنسرتی را در برج میلاد تهران برگزار می‌کند. حسین زمان در این کنسرت با همراهی ارکستر ۳۰ نفره به رهبری صابر جعفری روی صحنه خواهد رفت و گلچینی از قطعات گذشته خود را به همراه چند قطعه جدید اجرا می‌کند. در این برنامه نوازندگانی همچون بابک ریاحی‌پور، حسن فراهانی و حسین شریفی که سابقه همکاری با حسین زمان را داشتند نیز حضور خواهند داشت. کنسرت حسین زمان سوم مردادماه سال جاری در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار خواهد شد.

توضیح و تصحیح

پیر و انتشار مطلب «میراثی که نگهبان شایسته‌ای ندارد»، طی تماسی از سوی مدیر روابط عمومی بنیاد رودکی عنوان شد: «در پی وزن زیاد دکور تئاتر روی صحنه در تاریخ مذکور، یکی از چرخ‌های انتقال دهنده نیرو در موتور گرداننده سن گردان تالار وحدت دچار آسیب شده بود که برای جلوگیری از آسیب‌های بیشتر، حرکت سن گردان متوقف شد تا زمانی که قطعه خریداری شده بعد از اتمام تئاتر و جمع‌آوری دکور آن در جای خود نصب گردد. ضمن آنکه چهار عدد از قطعه تعمیراتی علاوه بر نیاز به عنوان یدک سفارش داده شده که همگی در ایران تولید شده است.» صفحه موسیقی روزنامه توسعه ایرانی ضمن ابراز خرسندی و تشکر از پاسخ روابط عمومی محترم بنیاد رودکی و همچنین پیگیری و توجه آنها به بازتاب وقایع در رسانه‌ها، آرزومند است که آن مجموعه بر موضوع و کیفیت مراسم برگزار شده در تالار وحدت نیز نظارت کند تا این سالن استاندارد و باشکوه موسیقی کماکان برای اهالی موسیقی محفوظ بماند.



اماد در شهر زادگاهش در محیط فرهنگی و باستانی طاق بستان با مردم چنان رفتار می‌کند که از آن نهاد خواننده و شنونده گلايه‌ها درمی‌آید. آیا باید با یک شخص هنرمند اهل فرهنگ و هنر این گونه برخورد شود؟ با مردم چه؟ آیا چون علاقه‌مند کنسرت هستند و به موسیقی دل‌بستگی دارند باید با آنها در نهایت بی‌احترامی و خشونت رفتار شود؟ راستی سازمان میراث فرهنگی کجاست؟ آیا می‌داند در مجموعه طاق بستان بر مردم علاقه‌مند موسیقی در آن دو شب چه گذشته و چه میزان مردم از نظر روحی و روانی مورد آزار قرار گرفته‌اند؟ آیا این رفتارها در باره هنرمند و فرهنگ پذیرفتنی است؟ به راستی چه کسی متولی حفظ حرمت انسان، فرهنگ و ادب در سازمان‌ها و نهادهاست؟ و چه کسی باید در ترویج آن بکوشد؟ آیا ناظری برای این گونه مسائل در محیط‌های فرهنگی وجود دارد؟ چه کسی الزام رعایت ادب را در جامعه باید ترویج کند؟ چه کسی باید این مقولات ابتدایی را آموزش دهد تا جزو بدیهیات شوند؟ به‌روز ما چه آمده که هنوز باید در این مسائل ابتدایی درگیر باشیم؟

عکس آرمان‌پیشرو

در دیگران موضوعیتی نداشته باشد. اما آیا آداب معاشرت این گونه است؟ بگذارید ملاموس تر بگویم. در گلايه‌ای که هفته پیش کیهان کلهر از دست بر خورد در صورت گرفته توسط حراست طاق بستان با مردم کرد و از مخاطبان کنسرت هایش و حتی خودش عذر خواهی کرد چه عاملی از بدیهیات را روی سخن قرار داده بود؟ آیا غیر از این بود که او از بی‌احترامی‌ها و بی‌ادبی‌هایی نوشته بود که به مخاطبان کنسرت‌های او روا داشته بودند، او که هنرمند طراز اول این کشور است و در عرصه‌های بین‌المللی نیز خوش درخشیده

دنگ و دونگ

در حاشیه اتفاقات طاق بستان

ناظر بر رعایت ادب در سازمان‌ها و نهادها کجاست؟

بینا یاری

هنوز در بدیهیات باهم توافق نداریم. از این رو نمی‌دانیم چگونه می‌توانیم بر سر مسائل روزمره با هم به تفاهم برسیم. اصلاً چرا بدیهیات را بگویم که همگان باید به مساله اشراف داشته باشند؛ منظورم موارد ابتدایی است که بر سر آنها نیز با هم در چالشیم. چرا که هر چیزی را که ما بدیهی می‌دانیم لزوماً شاید مورد قبول و توافق همگان نباشد؛ از این رو الزامی به اجرا و رعایت آن در بین همه نیست؛ اما موارد ابتدایی شاید همان چیزهای اولیه در برقراری ارتباط است که با رعایت آنها توانستیم به عنوان جماعتی در شهرها گرد هم بیاییم و چیزی به نام تمدن و مفهوم شهروندی را خلق کنیم که یک پایه آن فرهنگ است. اما گویا در خصوص موارد

ابتدایی فرهنگ از جمله آداب معاشرت با هم توافق نداریم. و این همان مساله است که جزئیات آن می‌تواند برای عده‌ای بدیهی باشد و برای برخی نباشد؛ که البته آداب معاشرت از موارد ابتدایی در ارتباط مردم با یکدیگر نیز می‌دانیم هست. از این رو این مورد ابتدایی در شکل‌گیری شهرها و تمدن‌ها نقش عمده‌ای داشته تا معیاری بر رشد و تعالی مردمان باشد و از دوران توحش و سستی‌زه به دوران شهرنشینی و ارتباط با دیگر شهروندان برساند.

شاید اولین تمدن‌های شهرنشینی چندین هزار سال پیش به وجود آمده باشند و انسان با موضوع در کنار هم زیستن سالیان سال است که آشناست اما کیفیت این موضوع همواره قابل بحث است و از این رو است که می‌تواند چیزی جزو بدیهیات در جامعه یا قشر و طبقه‌ای نباشد و